مجله راهبردهای آموزش
دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸
صفحات: ۱۳۷ تا ۱۴۲

مروری
(بخش دوم)*

مفهوم‌پردازی بین‌المللی کردن برنامه درسی در آموزش عالی؛ ابعاد و روندها

طلعت دیبا واجاری* ***MSc***

* دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه. بین‌المللی کردن برنامه درسی (IOC) مفهومی جدید و در حال تحول است که به‌طور ویژه از اوایل قرن بیست‌ویکم در ادبیات برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. علیرغم اهمیت و جایگاه چنین ایده‌ای، برداشت‌ها و تفسیرها از این واژه در بسیاری از ممالک به‌ویژه ایران توأم با ابهام، سردرگمی و عدم شفافیت است. مقاله حاضر در راستای بررسی این مفهوم در ادبیات برنامه درسی تلاش کرده تا برداشت‌های مختلف از این واژه و حدود و دامنه آنها را مفهوم‌پردازی کرده و در این راستا ۳ برداشت متفاوت از IOC تحت عنوان بین‌المللی کردن دروس و رشته‌های دانشگاهی، بین‌المللی کردن رشته مطالعات برنامه درسی و بین‌المللی کردن حرفه برنامه درسی را شناسایی و معنی مؤلفه‌های آنها را معرفی کند.

نتیجه‌گیری. توجه به توسعه دانش، مهارت و ارزش‌های بین‌المللی در برنامه‌های موجود دانشگاه به‌منظور افزایش سواد بین‌المللی دانشجویان ضروری است و اشاعه برنامه‌های درسی دانشگاهی به فراتر از مرزهای جغرافیایی و تجاری‌سازی برنامه درسی و محصولات آن لازم به‌نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی آموزش عالی، بین‌المللی کردن برنامه درسی، بین‌المللی کردن مطالعات برنامه درسی، بین‌المللی کردن حرفه برنامه درسی، جهانی شدن

Conceptualizing the internationalizing of curriculum in high education; Dimensions and procedures

Diba Vajari T.* ***PhD***

*Faculty of Psychology & Educational Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

Introduction. Internationalizing the curriculum (IOC) is a new and evolving concept that especially has been considered in curriculum literature early 21st century. Despite the importance and status of such idea, Withdrawals and interpretation of this term in many countries, especially Iran, coupled with ambiguity, confusion and lack of transparency. This paper investigated this concept in line with the literature curriculum efforts to harvesting different about this word and their meaning and scope in this regard, processor and 3 different harvest under the IOC to international courses and academic disciplines, between International string of international studies curriculum and professional curriculum to identify the means to introduce their components.

Conclusion. The development of knowledge, skills and values existing international programs to increase literacy of international students is essential and promoting academic curriculum beyond geographical boundaries and commercial building curriculum and its products seems necessary.

Keywords: Higher Education Curriculum, Curriculum Internationalizing, Curriculum Studies Internationalizing, Professional Curriculum Internationalization, Globalization

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

* بخش یکم این مقاله در صفحات ۹۴-۸۵ شماره ۲ دوره ۲ (تابستان ۱۳۸۸) همین فصل‌نامه به چاپ رسیده است.

نویسنده مسئول: طلعت دیبا واجاری. تمام درخواست‌ها باید به نشانی talatdibavajari@yahoo.com فرستاده شوند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۷/۲۶ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۲

بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی

بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی به جنبش فکری و سازمان‌دهی‌شده‌ای اشاره می‌کند که در دهه اخیر توسط طیفی از متخصصان برنامه درسی ایجاد شده است. اگرچه این جنبش دارای مؤلفه‌های جهانی‌شدن است و انگیزه اصلی آن را نیز تشکیل می‌دهد [۱]، اما در رشته برنامه درسی، به این پدیده عموماً با بدگمانی و بدبینی نگریسته می‌شود. به‌عبارت روشن‌تر، بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی، هم زاییده پدیده جهانی‌شدن و هم به‌ارث‌برنده بدبینی ناشی از آن است [۲].

بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی پروژه‌ای است که عملاً از سال ۲۰۰۱ با تأسیس انجمن بین‌المللی پیشبرد مطالعات برنامه درسی کلید خورد. در سال ۲۰۰۰، به پیشنهاد *بیل پاینار* از دانشگاه لوئیزیانای ایالات متحده، کنفرانسی تحت عنوان "بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی"، در این دانشگاه برگزار شد. در این کنفرانس که متخصصان برنامه درسی از سراسر دنیا (آرژانتین، استرالیا، بوتسوانا، برزیل، کانادا، چین، کاستاریکا، دانمارک، استونی، آلمان، فنلاند، هند، فلسطین اشغالی، ژاپن، کره‌جنوبی، مالزی، هلند، نیجریه، نروژ، فیلیپین، مجارستان، رومانی، افریقای جنوبی، سوئد، ترکیه و ایالات متحده) شرکت داشتند، مقرر شد که کمیته‌ای تحت عنوان "کمیته ۱۰۰" برای امکان‌سنجی بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی تشکیل شود؛ این امر در نهایت منجر به تأسیس "انجمن بین‌المللی ارتقای مطالعات برنامه درسی" (IAACS) شد.

در دنیایی که کشورها عملاً تبدیل به کشور واحد شده‌اند و وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد، بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد. البته، بین‌المللی‌شدن مطالعات برنامه درسی به‌معنای پیدا کردن بازارهای جدید برای محصولات فکری و نظری متخصصان ایالات متحده در سایر جوامع نیست؛ همچنین، این مفهوم به‌معنای متحدالشکل‌کردن مطالعات برنامه درسی در سراسر جهان نیز نیست. بلکه از یک سو به‌معنای استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در سراسر جهان برای اعتلای رشته برنامه درسی به‌عنوان رشته‌ای چندفرهنگی است که در فرهنگ‌ها و زمینه‌های اجتماعی متفاوت به‌طور نظری و عملی جریان دارد و از سوی دیگر، همان‌طور که *پاینار* معتقد است، به‌عنوان تلاشی برای مبارزه با پدیده خودشیفتگی امریکایی مطرح می‌شود. این پدیده که به‌زعم *پاینار*، ناشی از شهروندی ایالات متحده است و باعث عدم توجه به نظریه‌ها و گفتمان‌های برنامه درسی از سایر ممالک جهان می‌شود و دانش برنامه درسی را به مرزهای ایالات متحده محصور و محدود می‌داند، پدیده‌ای زیان‌بار است [۲]. برای مقابله با این امر باید آن‌چه دیگران در رشته برنامه درسی در سراسر جهان انجام می‌دهند در ادبیات رشته نمود پیدا کند. این کار مستلزم آن است که همه متخصصان برنامه درسی به فراتر از مرزهای جغرافیایی خود توجه کنند و ارتباطی مؤثر و سازنده با همکاران خود در سایر ممالک داشته باشند. به‌عبارت روشن‌تر، بین‌المللی‌کردن برنامه درسی کاملاً معطوف به مقاومت در برابر حاکمیت سنت امریکایی بر مطالعات برنامه درسی و تلقی از این رشته به‌عنوان رشته‌ای سرتاسر امریکایی است که از جانب دو گروه مورد توجه است؛ افراد و صاحب‌نظرانی که اساساً محدود و محصور ماندن رشته برنامه درسی را به زادگاه اصلی خود یعنی ایالات متحده آمریکا نوعی تحجر و جلوگیری از رشد این رشته و درجا زدن آن تلقی می‌کنند؛ و صاحب‌نظرانی که به حاکمیت بی‌چون‌وچرای سنت امریکایی بر حوزه اندیشه‌ها و مطالعات برنامه درسی اعتراض می‌کنند و درصدد بین‌المللی‌کردن برنامه درسی به‌عنوان رشته‌ای جهانی و نه صرفاً امریکایی و در جستجوی صدایی متفاوت در عرصه و ادبیات برنامه درسی هستند.

اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران رشته برنامه درسی بر اهمیت توجه به ابعاد بین‌المللی مطالعه برنامه درسی تأکید دارند، اما متأسفانه آثار منتشرشده در این زمینه از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند؛ چراکه فهم برنامه درسی به‌صورت بین‌المللی، بسیار دشوار، گسترده و پیچیده است، اما در عین حال، غفلت از درک برنامه درسی به‌عنوان متنی بین‌المللی، با توجه به تحولات جهانی امکان‌پذیر نیست. هدف اصلی این بخش مقاله، به‌تصویرکشیدن مجموعه تلاش‌های معطوف به بین‌المللی‌کردن برنامه درسی بود. اگرچه این تلاش‌ها هنوز جوان، جدید و در حال رشد هستند.

برنامه درسی نمی‌تواند محدود و محصور به مرزهای ملی باشد. همان‌طور که پدیده‌های اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی به‌طور فزاینده‌ای مرزهای ملی را درمی‌نوردند، به‌همان‌سان تعلیم و تربیت نیز نمی‌تواند در چارچوب مرزهای کشور محدود و ممهور باشد. اساساً مجموعه مسایل اساسی در ارتباط با بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه کرد:

الف) رشته برنامه درسی با فرهنگ‌های ملی و محیط‌های منطقه‌ای عجین و درهم‌آمیخته است. بسیاری از فعالیت‌ها اعم از نظری و عملی در رشته برنامه درسی متأثر از خواست و حمایت دولت‌هاست. رشته برنامه درسی در بسیاری از ممالک در خدمت اصلاح مدارس است، از این‌رو قلمرویی به‌طور بسیار برجسته، عملی است. با این وجود، نوعی عجین‌سازی مطالعات نظری و عملی، ضروری است. رشته برنامه درسی تا حد زیادی عملی است که در قالب فرهنگ‌های مختلف و مرزهای جغرافیایی متفاوت برای پاسخ به نیازهای گوناگون شکل گرفته است [۳]. از این‌رو توجه به این تلاش‌ها، هویت واقعی بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی را آشکارتر می‌کند. این بدان معناست که بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی عملاً در حال وقوع است و در بسیاری از ممالک غیرامریکایی نظیر کانادا، اروپا، چین و غیره تحولات شگرفی داشته است. با این‌همه، بین‌المللی‌کردن مطالعات برنامه درسی مستلزم آن است که متخصصان این رشته در سرتاسر جهان از دانش بیشتری برخوردار شوند، نقد بیشتری از شرایط

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

موجود به‌عمل آورند، از محیط خود آگاهی بیشتر به‌دست آورند و در عین حال، به دستاوردهای خارج از کشور خویش نیز نظر داشته باشند. به این معنی که طبق گفته *بیل گرین*، "برنامه درسی رشته‌ای ملی و بین‌المللی است".

ب) بین‌المللی‌شدن مطالعه برنامه درسی اگرچه از لحاظ مفهومی، پدیده‌ای جدید به‌شمار می‌رود، اما امری است که در بسیاری از کشورهای جهان، به‌جز ایالات متحده، در حال گسترش و توسعه است. برای مثال، تحولات نظری و مفهومی، به‌ویژه در عرصه تفکر انتقادی در برنامه درسی، به‌خصوص در دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده، انگلستان و در برخی از کشورهای امریکای لاتین تجلی و انعکاس یافته است [۴]. این تأثیرات بدون بررسی و نقد وارد این کشورها نشده، بلکه این ورود به‌صورت خودآگاهانه و با توجه به اهداف و مقاصد ویژه و محلی بوده است. همان‌طور که *پاینار* از قول یکی از محققان برنامه درسی برزیلی نقل می‌کند، وارد کردن مطالب خارجی همراه با تعاملات و مقاومت‌هایی است که شدت آن و مخالفت بالقوه با آن برحسب شرایط ملی و بین‌المللی متفاوت است، اما این روند در ایالات متحده به‌گونه‌ای دیگر بوده است. به‌جز پژوهش پدیدارشناختی و هرمونوتیک که دارای ریشه و خواستگاه کانادایی است [۵] و به ایالات متحده و سایر نقاط جهان صادر شده، ایالات متحده در سایر زمینه‌ها صادرکننده بوده است [۲]. از این‌رو، با تلاش‌های انجام‌شده در راستای تأسیس انجمن بین‌المللی ارتقای مطالعات برنامه درسی و نیز انتشار مجموعه‌های مختلف با مشارکت صاحب‌نظران و محققان برنامه درسی در سطح جهان، بین‌المللی‌کردن برنامه‌های درسی همچنان به راه خود ادامه می‌دهد. به همین دلیل، محققان برنامه درسی در سطح جهان باید نسبت به بررسی تناسب پژوهش‌های موجود در منابع خارج از کشور خود با نیازها و شرایط سرزمین خود به‌صورت گزینشی‌تر، نقادانه‌تر و خودآگاهانه‌تر برخورد کنند.

ج) امروزه، فهم برنامه درسی هم پدیده‌ای بین‌المللی و هم فعالیتی متناسب با موقعیت‌های محلی و منطقه‌ای است. توجه به واقعیت‌های محلی، تنها به‌معنی پرداختن به وضع موجود و توجه به امواج برخاسته از بدنه سیاسی برای اصلاح مدارس نیست. برای مقاومت در مقابل امواج غرق‌کننده دریای متلاطم سیاست و اشتیاق بی‌انتهای مشارکت دولت در حیات روانی، اجتماعی و فکری مدارس، مطالعات برنامه درسی به‌عنوان رشته‌ای مستقل باید تلاش کند که از لحاظ فکری مستقل شود و مستقل بماند.

د) برنامه درسی، به‌عنوان رشته‌ای نظری و فکری، در برخی ممالک به‌سختی مستقل از فعالیت‌های نهادهای رسمی است. برای مثال، *پالامید* و *فلدمن* معتقدند که در آرژانتین، تمایز بسیار کمی بین مطالعات علمی و فکری این رشته و فعالیت نهادهای رسمی می‌توان یافت که چنین تمایزی برای پیشرفت باید ایجاد شده و توسعه یابد. در حقیقت، بحث شدید و تفاوت دیدگاه‌ها نه‌تنها در بین محققان بلکه با سیاستمداران و مقامات و نیروهای دولتی باید ایجاد شده و حمایت شود. محققان برنامه درسی باید به روشنفکران و نیز متخصصان فنی که دارای تخصص دیوانی هستند تبدیل شوند، به‌نحوی که دولت‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها بتوانند آنان را به‌کار گیرند. رشته پیشرفته مطالعات برنامه درسی باید طیف وسیعی از فعالیت‌های پژوهشی و حرفه‌ای (از نظری تا سازمانی، از جهانی تا منطقه‌ای و از دانشگاه تا مدرسه) را دربر گیرد [۶].

ه) توسعه این رشته در سطح بین‌المللی باید ماهیتی هم افقی و هم عمودی داشته باشد. افقی بودن توسعه رشته برنامه درسی به‌معنای تلاش برای گسترش مطالعات برنامه درسی در سطح ملی و بین‌المللی است. مطالعه افقی به‌معنای وسعت بخشیدن به گستره مطالعات برنامه درسی در ممالک و مناطق مختلف جهان است، اما در عین حال باید تلاش شود تا مطالعات تاریخی و آینده‌محور نیز در دستور کار قرار گیرد. مطالعات تاریخی باید کمک کند تا ویژگی‌های موجود در فرهنگ‌های ملی و نظریه و عمل برنامه درسی که ریشه در چنین فرهنگ‌هایی دارند درک شوند. از این‌رو، تمام ممالک و کشورهای جهان باید در این زمینه خوب توجیه شوند و از این جنبش حمایت کنند. این کار از طریق تغییر در رویکردهای تدریس، پژوهش‌ها و نیز انتشار مجلات علمی، تأسیس انجمن‌ها و غیره در سطح ملی و بین‌المللی امکان‌پذیر می‌شود [۷]. در راستای چنین وضعیتی باید نسبت به انجام مطالعات تاریخی در عرصه برنامه درسی اقدام شود تا با تأسی از فرهنگ‌های ملی و نظریه‌ها و برنامه درسی تاریخی کشورها بتوان مطالعات برنامه درسی را غنی کرد [۸]. رساله‌های مطالعات برنامه درسی در کره‌جنوبی [۲۱]، سوئد [۹]، چین [۱۰] و غیره از این دسته مطالعات هستند. در عین حال، انجام مطالعات تاریخی در برنامه درسی این امکان را به کشورهای مختلف می‌دهد تا از پذیرش غیرانتقادی ابعاد مختلف جهانی‌شدن سرباز زنند و با توجه به مؤلفه‌های فرهنگ ملی و گذشته تاریخی در مقابل شعارهای سیاسی نظیر مواردی چون خصوصی‌سازی و بازاری‌کردن آموزش و پرورش عمومی به نحو محتاطانه‌ای برخورد کنند. اگرچه بین‌المللی‌کردن از ارتباطات فراملیتی حمایت می‌کند، اما برای هر ملتی مهم هست که نظریه‌ها، پژوهش‌ها و تحقیقات بومی خود را داشته باشد [۲].

بین‌المللی‌کردن حرفه برنامه درسی

برداشت سوم از بین‌المللی‌کردن برنامه درسی، در معنای هویت‌بخشی بین‌المللی به این حرفه نمود می‌یابد. واژه حرفه به‌طور سنتی به نوعی تعهد به شیوه معینی از زندگی و حیات اشاره می‌کند. واژه "profess"، به‌معنای پذیرفته‌شدن رسمی در جامعه مذهبی است؛ نظیر راهبی که برای عضویت در جامعه مذهبی، پیمان رهبانی می‌بندد [۱۱]. درحقیقت، این مفهوم به‌معنای نوعی پیمان عمومی برای دنبال‌کردن مجموعه‌ای از ایده‌آل‌های اخلاقی والا است. در اواخر قرن هجدهم، این واژه به فراتر از محیط‌های مذهبی رسوخ پیدا کرد و کاربردهای سکولار و غیردینی یافت. از آن به بعد، افراد حرفه‌ای یا

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

"professional" به کسانی اطلاق می‌شود که برای انجام شغل یا پیشه دارای صلاحیت لازم باشند. مشاغلی چون حقوق، پزشکی و مهندسی تبدیل به حرفه شدند، زیرا نیازمند دانش مشخص، ارزش‌ها و بینش مشترک و دارای ارتباط مبتنی بر اعتماد با دیگران هستند.

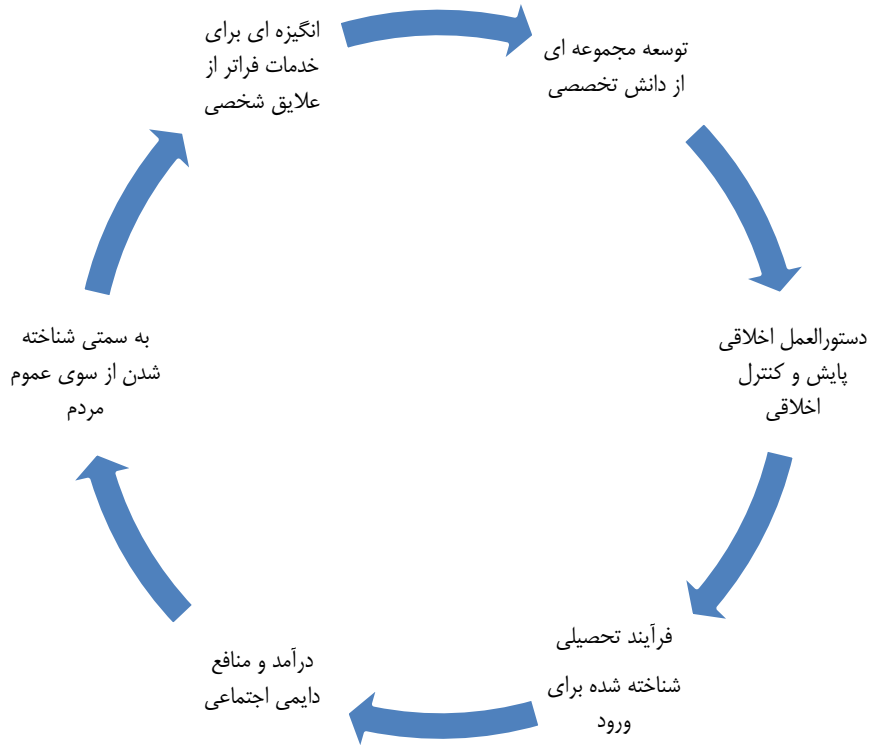
در تعریف جدیدتر و جامع، شغلی که نیازمند دانش تخصصی و اغلب آمادگی طولانی‌مدت و بلندمدامنه (از جمله سپری‌کردن دوره‌های آموزشی درخصوص مهارت‌ها و روش‌ها و نیز یادگیری اصول علمی، تاریخی و تخصصی زیربنایی این مهارت‌ها و روش‌ها) است، در آن استانداردها و قواعد رفتاری معینی مدنظر است و شاغلین آن متعهد به یادگیری مداوم و ارایه خدمت به عموم مردم هستند، حرفه تلقی می‌شود. با توجه به این تعریف، حرفه واجد مؤلفه‌ها و ویژگی‌های زیر است [۱۲]:

۱ـ دانش فنی- تخصصی: تخصص در بسیاری از حرفه‌ها برخاسته از تسلط بر مجموعه وسیعی از دانش‌ها در آن حیطه است. کسب چنین دانش‌هایی که می‌تواند دارای ابعاد نظری- مفهومی یا کاربردی- عملی باشد، ممکن است نیازمند سالیان طولانی تحصیل یا تجربه کاری باشد. اجرای موفقیت‌آمیز حرفه، همچنین نیازمند توان تشخیص درخصوص زمان و نحوه استفاده از این دانش است. از این‌رو، افراد حرفه‌ای همواره ناگزیر از انجام قضاوت برمبنای دانش، درک و فهم خود هستند. اغلب انجمن‌های حرفه‌ای، دانش فنی مورد نیاز برای پذیرش در آن حرفه را تعیین می‌کنند.

۲ـ حفظ استانداردها: مساله مهم دیگر در حرفه، ضرورت رعایت و حفظ استانداردها است. در برخی موارد این استانداردها توسط انجمن‌ها و سازمان‌های مستقل تدوین می‌شوند و در برخی موارد نظیر معلمان، خلبانان و غیره، توسط مقامات دولتی تعیین می‌شوند. این بدان معنی است که افراد حرفه‌ای باید مسئولیت اخلاقی و قانونی کار خود را بپذیرند و همواره علایق و منافع جامعه و عموم مردم را مدنظر قرار دهند. به‌واسطه وجود این استانداردها و فرآیندها، کیفیت فعالیت‌ها و خدمات تضمین شده و رقابت بین افراد حرفه‌ای ایجاد می‌شود.

۳ـ یادگیری مداوم: برای حفاظت دایمی از عموم مردم، افراد حرفه‌ای باید به‌طور مداوم به یادگیری و تحصیل بپردازند. این یادگیری‌ها می‌تواند در قالب مطالعه مجلات، شرکت در دوره‌های فنی و کنفرانس باشد. در سایه چنین یادگیری‌هایی، ضمن حفظ کیفیت، عملکرد افراد و مشاغل نیز بهبود می‌یابد.

۴ـ خدمات عمومی: افراد شاغل در حرف مختلف باید در خدمت تأمین منافع عمومی باشند. در خدمت جامعه بودن به‌معنای آن است که حرفه ذی‌ربط بتواند مشکل یا نیاز معینی از جامعه را برطرف کند. در این زمینه، گاهی مجموعه‌ای از قواعد و عملکردها نیز تدوین می‌شود. در این راستا، مدلی مفهومی توسط صاحب‌نظران برای مشاغل و حِرَف مرتبط با تدریس و یادگیری تدوین و عرضه شده است (شکل ۱).



شکل ۱) راهنمای تبیین‌کننده حرفه [۱۵].

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

دو مؤلفه اول، یعنی وجود انگیزه‌ای فراتر از علاقه شخصی (کمک جدی برای ساختن جامعه یا هدف نهایی ایده‌آل) و توسعه مجموعه‌ای از دانش تخصصی برای حرفه بسیار مهم هستند. بنابراین، بسیار مهم است که مشخص شود حرفه‌ای نظیر برنامه درسی چه کمکی به جامعه می‌کند. اگرچه این ایده کلی قابل‌پذیرش است که کمک‌های حرفه برنامه درسی به جامعه و نیز دانش تخصصی مرتبط در این رشته، برحسب قلمروها و زمینه‌های مختلف متفاوت است، اما بازاندیشی و تأمل جدی در این زمینه انجام نشده است. با این‌همه، برنامه‌های درسی قلب موسسات آموزشی را تشکیل می‌دهند و اساساً رشته برنامه درسی با طرح سئوالاتی در رابطه با نحوه تدوین و ساخت برنامه درسی به‌وجود آمده است. از این‌رو، خدمت اصلی حرفه برنامه درسی می‌تواند آماده‌سازی برنامه‌هایی برای تربیت نسل آینده تلقی شود و دانش تخصصی مرتبط با این حرفه در قالب قلمروهای مختلف تبیین گردد [۱۳]. مولفه دیگر که دستورالعمل اخلاقی نامیده شده، بیانگر نوعی عقل‌جمعی و دستورالعمل‌های اجرایی است [۱۴] که باید در هنگام فعالیت‌های حرفه برنامه درسی مدنظر قرار گیرد [۹]. تنها درصورتی‌که انگیزه اصلی از خدمت‌رسانی به جامعه یا مقصد نهایی حرفه معین شود، می‌توان معلوم کرد که رفتار، عملاً با آن منطبق است یا خیر. با توجه به هدف نهایی تعلیم و تربیت و ارزش‌محور بودن آنها، شاید جهت‌گیری‌های متفاوتی به‌عنوان انگیزه اصلی کار برنامه درسی در ممالک مختلف در نظر گرفته شود و برمبنای آن، دستورالعمل‌های رفتاری و اخلاقی جامعه تدوین شوند. مؤلفه دیگر، نحوه پیوستن و پذیرش افراد به حرفه است. هر حرفه‌ای به تحصیلات معینی نیاز دارد. این بخش به درک این مساله کمک می‌کند که افراد خواهان ورود به حرفه برنامه درسی، از انگیزه مشخصی برخوردارند، بر دانش تخصصی این رشته احاطه دارند و قواعد آن را می‌دانند. در مورد رشته برنامه درسی مشخصاً گذراندن تحصیلات دانشگاهی مرتبط با برنامه درسی یا رشته‌های تخصصی خاص، نظیر فیزیک، شیمی و غیره یا گذراندن دوره‌های تخصصی و تجربه کار می‌تواند مهم تلقی شود [۱۵].

سرانجام، مساله به‌رسمیت‌شناختن حرفه توسط جامعه از طریق پرداخت حقوق و پاداش یا احترام ارزشی مطرح می‌شود. آیا جامعه برای حرفه‌ای نظیر برنامه درسی رسمیت قایل است؟ افرادی که در حرفه برنامه درسی کار می‌کنند، عملاً چه جایگاه و پایگاه اجتماعی در سطح جامعه دارند؟ جامعه چه ارزش و اهمیتی برای آنها نسبت به مشاغل دیگر قایل می‌شود؟ حقوق و درآمدهای آنها چگونه است؟ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عملاً برنامه درسی را می‌توان به‌عنوان حرفه مشخص در نظر گرفت. در این صورت، آیا همانند مشاغل و حرفه‌های دیگر که با تحولات جهانی و فنّاوری، دارای ماهیتی بین‌المللی شده‌اند، می‌توان حرفه برنامه درسی را نیز دارای ظرفیت بالقوه برای مبدل‌شدن به حرفه‌ای بین‌المللی و افراد شاغل در آن را افراد حرفه‌ای بین‌المللی تلقی کرد؟

حرفه بین‌المللی برنامه درسی

آنچه هسته اصلی ایده بین‌المللی‌کردن حرفه برنامه درسی را تشکیل می‌دهد، پرورش افراد حرفه‌ای که توان کار، فعالیت و ارایه خدمات مشاوره‌ای در محیط‌های چندفرهنگی و بین‌فرهنگی را داشته باشند و از اقتضاها، دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های لازم برای انجام کار و فعالیت‌های برنامه درسی در محیط‌های مختلف فرهنگی برخوردار باشند است. ظهور نسل جدیدی از متخصصان و کارشناسان برنامه درسی که خدمات مشاوره برنامه درسی را ارایه می‌نمایند و دارای نقش مشاور برنامه درسی هستند، امروز در همه دنیا قابل مشاهده است. افراد حرفه‌ای برنامه درسی، عموماً با حضور در کشورهای مختلف در حال توسعه یا کشورهای توسعه‌یافته‌ای که دانش برنامه درسی در آن از رشد و توسعه مناسبی برخوردار نیست و از جایگاه واقعی خود دور است، به ارتقای دانش برنامه درسی و حتی توسعه رشته برنامه درسی و گسترش علایق برنامه درسی کمک می‌کنند. این روند در حال ظهور، اگرچه هم‌اکنون دارای مصادیق نه‌چندان گسترده‌ای است، اما به‌نظر می‌رسد با گسترش پدیده جهانی‌شدن و گره‌خوردن علایق و منافع مردمان در سراسر جهان به یکدیگر توسعه بیشتری یابد.

امروزه، همان‌طور که رشته‌های مختلف نظیر حقوق، پزشکی، مهندسی، خبرنگاری و روزنامه‌نگاری مشاغلی بدون مرز هستند، برنامه درسی نیز دارای ماهیتی مشابه است. شاید مهم‌ترین مصداق این برداشت از بین‌المللی‌کردن برنامه درسی، حضور افرادی چون *ویلیام پاینار* در دانشگاه بریتیش‌کلمبیای کانادا و تأسیس مرکز مطالعه بین‌المللی‌کردن برنامه درسی در این کشور باشد که باعث توسعه و ترویج فراوان حیطه مطالعات برنامه درسی و رونق انجمن مطالعات برنامه درسی کانادا شده است. وی که استاد دانشگاه ایالتی اوهایو آمریکا بوده است، با پذیرش کرسی ریاست پژوهش‌های برنامه درسی کانادا، هم‌اکنون نقش فعالی در توسعه دانش برنامه درسی در این کشور و نیز جهان دارد. نمونه و مصداق دیگر این روند، حضور متخصصان و کارشناسان برنامه درسی در کشور هنگ‌کنگ و موسسه تعلیم و تربیت این کشور است. برای مثال، پروفسور *کری‌کندی* اندیشمند استرالیایی برنامه درسی که قبلاً در دانشگاه کانبرا مشغول فعالیت بود، برای ترویج دانش برنامه درسی و به‌طور ویژه، گسترش ایده و عمل برنامه‌ریزی درسی مدرسه‌محور، هم‌اکنون هدایت موسسه تعلیم و تربیت دانشگاه هنگ‌کنگ را برعهده دارد. حضور *کامرون مک‌کارتی* اندیشمند شهیر حوزه برنامه درسی که نقش زیادی در ایجاد و توسعه مباحث نژادی و قومی در برنامه درسی ایالات متحده آمریکا دارد، در کشور استرالیا با طرح مباحث مربوط به حقوق وضعیت بومیان استرالیا و گسترش مطالعات فرهنگی و نیز تعلیم و تربیت پس از استعمار، موجب غنای مباحث برنامه درسی در کشور استرالیا شده است. همچنین، تربیت متخصصان و کارشناسان برنامه درسی در کشور چین با همکاری اساتید و متخصصان برنامه درسی ممالک غربی و

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

سازمان‌های بین‌المللی به‌منظور گسترش و ترویج ادبیات رشته برنامه درسی و حضور کارشناسان یونسکو در حیطه برنامه درسی به‌منظور ارایه مشاوره‌های نظام‌دار برنامه درسی در ممالک در حال توسعه (در قالب برگزاری کارگاه‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت و مشاوره طرح‌های برنامه درسی) به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج‌فارس (که مهم‌ترین مصداق آن پروژه‌های تغییر برنامه درسی زیر نظر یونسکو با مشاوره افرادی چون *شاهپور راسخ* و سایر کارشناسان یونسکو است)، به‌همراه رشد فزاینده موسسات خصوصی ارایه مشاوره برنامه درسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، بیانگر ترویج برداشت بین‌المللی‌شدن حرفه برنامه درسی است.

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن و گسترش فنّاوری ارتباطات و اطلاعات، سبب شده که جهان مبدل به دهکده‌ای کوچک و دارای تعاملات فزاینده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شود. از این‌رو، جهانی‌شدن بر کلیه ابعاد زندگی آدمی و تمامی دستاوردهای بشر تأثیری گسترده و عمیق به‌جا گذاشته است. رشته‌های علمی در این میان نیز به‌تدریج واجد هویتی بین‌المللی و مبدل به دغدغه مشترک ممالک مختلف شده‌اند. در این میان، بین‌المللی‌کردن برنامه درسی نیز به‌عنوان یکی از پیامدهای حداقلی جهانی‌شدن، مورد توجه روزافزون قرار گرفته است.

دیرینه‌ترین برداشت بین‌المللی‌کردن برنامه درسی به تعریف برنامه درسی به‌عنوان دروس و رشته‌های دانشگاهی باز می‌گردد که در دو معنی مورد توجه قرار گرفته است. معنای اول توجه به توسعه دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های بین‌المللی در برنامه‌های موجود دانشگاه برای تربیت و سواد بین‌المللی دانشجویان است و معنای دوم، اشاعه برنامه‌های درسی دانشگاهی به فراتر از مرزهای جغرافیایی و تجاری‌سازی برنامه درسی و محصولات آن را دربر دارد. برای ایجاد برداشت بین‌المللی صحیح از مطالعات برنامه درسی، استفاده از ظرفیت‌های همه کشورهای جهان برای اشاعه دانش برنامه درسی و مقابله با حاکمیت سنت امریکایی- اروپایی بر برنامه درسی مورد تأکید است. بین‌المللی کردن برنامه درسی همانند خود آن مفهومی در حال تحول است و هر آینه، برداشت‌ها و روندهای متفاوتی از آن‌چه در این مقاله مختصر بدان پرداخته شد می‌تواند مورد شناسایی و تبیین قرار گیرد.

منابع

1- Held D, Mcgrew A, Goldblatt T. Transformation: Politics, economics and culture. Stanford, CA: Stanford University press; 1999.

2- Pinar WF. International handbook of curriculum research. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum; 2003.

3- Barriga FD. Main trends of curriculum research in Mexico. In: Pinar WF, editor. International handbook of curriculum research. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum; 2003.

4- Marcelo J, Moreira F, Brian P. Implementing tests with correct size in the simultaneous equation model. Harvard: Harvard Institute of Economic Research; 2003.

5- Altbach PG. Knowledge and education as international commodities. Int Higher Edu. 2003;(28):2-5.

6- Knight J. Internationalization of higher education: New directions, new challenges. Paris (The 2005 IAU global survey report): International Association of Universities; 2006.

7- Green MF. Joining the world: The challenge of internationalizing education. Change. 2002;34(3):1-7.

8- Lee WO. How middle-class parents help their children obtain an advantaged qualification: A study of strategies of teachers and managers for their children's education in Hong Kong. Hong Kong: Institute of Education; 2003.

9- Johansson Ulla. Frame factors, structures and meaning making: Shifting focus of curriculum research in Sweden. In: Pinar WF, editor. International handbook of curriculum research. Mahwah: NJ: Lawrence Erlbaum. 2003. p. 575-98.

10- Zhang H, Zhang Q. Curriculum studies in China: Retrospect and prospect. In: Pinar WF, editor. International handbook of curriculum research. Mahwah: NJ: Lawrence Erlbaum, 2003. p. 253-70.

11- Webster's binth new collegiate dictionary unabridged. London: Merriam-Webster Inc. 1988.

12- Arpac J. Curricular and administrative consideration. In: Cavusgil ST, editor. Internationalizing business education. New York: Pergamon Press; 2007.

13- Kingsford L. The reorganizing and financing of higher education: A case study. California State University, American Association of University Professors: Annual Governance Conference; 1998.

14- Goodlad J, Soder R, Sirotnik K. The moral dimensions of teaching. San Francisco: Jossey-Bass; 1991.

15- Martin P. Key issues in the industry: Towards the summit. 12th ed. Australia, Victoria: University of Melbourne; 2000.

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]